

نگاهی به رمان «عشق و رنج و بلوط»

ردپای پررنگ بوم در داستان



«مادرم می گوید: «اگر زودتر خودمان را به جنگل بلوط نرسانیم در آتش می‌سوزیم.» باید از چاله بیرون برویم. زن نگاه‌مان می‌کند. یک زن مجروح با چپار تا بچه‌ای یکی از آنها را به پشت می‌بندد، دو تا را هم بغل می‌گیرد. خون از بازویش بیرون می‌زند. یکی از بچه‌ها را زمین می‌گذارد. دوباره بغلش می‌کند. یکی از بچه‌های زن جا می‌ماند. دامن مادرش را می‌گیرد. مادر کودک بغلش را زمین می‌گذارد و بچه دومش را برمی‌دارد. کودکی که روی زمین است جیغ می‌کشد. چاره‌ای نیست. باید از یکی از بچه‌هایش چشم‌پوشد. به زودی هواپیمایا بازمی‌گردند.»

این فقط قسمتی از رمان «عشق و رنج و بلوط»نوشته رضاموزنی است که توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودک کان ونوجوانان منتشر شده است. در این رمان نویسنده سعی کرده از زبان اول شخص حال، به مرور خاطرات جنگ در دوران کودکی‌اش بپردازد. نویسنده که خود اهل مناطق غربی و جنگ‌زده کشور است آنچه در کودکی دیده و تجربه کرده در قالب رمان پیش روی مخاطب گذاشته است و با یادآوری لحظه‌های سخت و پراسترس جنگ، سعی در به تصویر کشیدن شب‌های بمباران و کوچ و آوارگی و بی‌خانمانی اجباری اهالی یکی از شهرهای مرزی کشور داشته است. آنچه در این رمان چشمگیرتر از هر چیزی جلب توجه می‌کند، نگاه اقلیمی و بومی گرایانه نویسنده به داستان زندگی خود و اعضای خانوادش در گذشته است. به سراسر رمان مخاطب با انواع اقسام تکیه کلام‌ها، ضرب‌المثل‌ها، نام‌ها و اصطلاحات زبان کردی کرمانشاهی آشنا می‌شود که نشانگر بومی بودن این داستان است و نویسنده در واقع با یک تیر دو نشانه را هدف قرار داده است و علاوه بر اینکه برش‌هایی از خاطرات هشت سال دفاع‌جانانه مردم بومی گیلانغرب را در مقابل اثر بحث پیش‌روی مخاطب می‌گذارد، از آداب و سنن و زبان و گویش مردم غرب کشور هم می‌گوید.

منطقه‌ای که نویسنده از آنجا صحبت کرده گیلانغرب است؛ شهر کوچکی که پراز سرسبزی درخت‌های سر به فلک کشیده بلوط است. «درخت بلوط» در این داستان چند کاربرد محوری دارد؛ یکی اینکه در زمان بمباران عراقی‌ها، تنها مکانی که مردم به آنجا پناه می‌برند لابه‌لای درخت‌های تناور بلوط است؛ درخت‌هایی که سالیان است به مردم گیلانغرب از روستاهای اطرافش اکسیژن و سایه‌سار داده‌اند. درخت‌ها با سخاوتمندی هر چه تمام‌تر از مردم جنگ‌زده استقبال می‌کنند. خصوصاً زمانی که هواپیمایهای دشمن قرار است به شهر حمله کنند. اکبربرد دوم درخت بلوط هم به‌نگاه نمادین نویسنده به آن است. درخت در اشعار حماسی ما همیشه مظهر استقامت و ایستادگی است. نویسنده مردم شهر کوچک گیلانغرب را نماد استقامت و مقاومت آن‌هم با دست خالی در مقابل هجوم دشمن تا ندانن مسلح‌ارش عراق قرار داده است. خصوصاً زمانی که زن و مرد و جوان و نوجوان دوشادوش هم از زادگاه و آب و خاکشان در مقابل ارتش متجاوز بعث دفاع می‌کنند. از ویژگی‌های دیگر قابل توجه داستان استفاده از زبان طنز است. نویسنده در برخی قسمت‌های کتاب از طنز موقعیت و کلامی استفاده کرده تا مخاطب کمتر تلخی سوزه جنگ و دربه‌دری مردم شهر را احساس کند:

«خالو منصور، کلاش را روی سرش جابه‌جا می‌کند و به سنگی که کنارش گذاشته اشاره می‌کند. نه روله!این صف آخر است. تو پشت سر این سنگ هستی. عفت شاه‌مراد می‌خندد.

من پشت سر این سنگم؟
- ها! این سنگ باجنابم مشی مایخان است. دهانم از تعجب باز شده است. این سنگ، باجناب شما مشی مایخان است؟»

خیلی جدی نگاهم می‌کند: «آره! این سنگ را منشی مایخان پشت سر من گذاشته و رفته که کوپن‌هایش را بیاورد.» در اینجا نویسنده خاطرات صف ایستادن مردم کوپن به دست را در زمان جنگ یادآوری کرده است. یکی از مشکلات داستان ضعف نویسنده در جمله‌پردازی و نگارش است. اگر دقت کنیم در همین دیالوگ‌هایی که به آن اشاره شد بی‌دقتی نویسنده مشهود است. مثلاً در سطر بالا نویسنده به جای اینکه بنویسد «دهانم از تعجب باز می‌ماند»، نوشته: «دهانم باز شده است» که اشتباه است. از این موارد اشتباهات و سکنه‌های دیالوگی زیاد در داستان دیده می‌شود که نیاز به اصلاح دارد. نویسنده این رمان در شخصیت‌پردازی و به تصویر کشیدن مصائب جنگ بسیار هوشمندانه عمل کرده اما ضعف کلی این رمان ساختار آن است که در مقابل آن قفل‌ها داشتن سالن‌های فاصله می‌گیرد و تبدیل به خاطره یا سرگذشتنامه می‌شود. دلیل نمده‌اش هم پرداخت و توضیحات بی‌وقفه و بدون مکث نویسنده است که گاهی از عنصر خیال و فضاسازی و توصیف در ساختار داستان جامی‌ماند.

کانونیوزین



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ابران مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سرمدبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۰۲۶۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۶۲ | شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ | ۲۲ رجب ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۶ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۲ | اذان مغرب: ۱۸:۲۲ | نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۴ | اذان صبح فردا: ۰۵:۰۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۶

خواب ابدی سالن‌های تعطیل شده سینما

یک سینماگر: هر کدام از سینماهای قدیمی برای ادامه حیات باید یک هویت فرهنگی داشته باشند تا به پاتوق تبدیل شوند نه اینکه صرفاً یک فضای تجاری مانند پاساز باشند

روزنامه جوان | شماره ۶۱۶۲ | شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ | ۲۲ رجب ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۶ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۲ | اذان مغرب: ۱۸:۲۲ | نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۴ | اذان صبح فردا: ۰۵:۰۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۶

اجرای شود. در شرایطی که مالکان سینماهای بخش خصوصی در ایران چشم‌انتظار رسیدن کمک‌های دولتی هستند، در کالیفرنیا یالات متحده نیز چندین سالن قدیمی سینما به خاطر ضرردهی ناشی از کرونا برای همیشه تعطیل شده‌اند و دادگاه‌های ایالتی در حال رأی دادن برای تغییر کاربری این سالن‌ها هستند. برای نمونه در «تیوهمشایر» دادگاه رأی داده است به عنوان سالن برگزاری دادگاه و جلسات هیئت منصفه استفاده شود، با این حال، مقامات ایالتی در تلاش هستند از بسته شدن دیگر سالن‌های سینما جلوگیری کنند. آنها کمک ۷۵هزار دلاری برای جلوگیری از بسته شدن سالن‌های سینما در نظر گرفته‌اند.

پیشنهاد برای پاتوق شدن سینماها

بابک کریمی، بازیگر سینما در یک مصاحبه پیشنهادهای خود برای جلوگیری از تعطیلی سینماهای قدیمی ارائه می‌دهد. کریمی با اشاره به مشاهداتش از نوع فعالیت سینماها در اروپا می‌گوید: «بر اساس سینماهایی که در فرانسه و ایتالیا دیده‌ام، معتقدم سینما دیگر نمی‌تواند فقط یک سینما باشد، چون در خانه و با موبایل هم می‌توان فیلم دید. سینما باید یک مکان گردشمایی باشد، مثل همان اتفاقی که در کافه‌ها رخ می‌دهد، یعنی باید جایی باشد که کتابخانه‌اش به راه باشد، کافه‌اش باشد، دی‌وی‌دی فروشی‌اش و سالن اکترش هم به راه باشد. همه اینها کنار هم می‌تواند یک مکان چند کاربردی را به وجود آورد. من اگر یک سینمای قدیمی داشتم کاری می‌کردم که برای هر بخشی از آن ساختمان یک «اتفاق» فرهنگی و تجاری بیفتد، اما نه به آن شکلی که در پاساژها می‌بینیم. منظور من این است که هر کدام از سینماهای قدیمی برای ادامه حیات باید یک هویت داشته باشند تا به پاتوق تبدیل شوند. باید مشخص شود برای چه سلیقه‌ای باقی مانده‌اند. اگر هر دو سینمای قدیمی‌ها باشد چندان ماندگار نخواهند بود، اما اگر شما همانطور که یک کافه را بنا به سلیقه خود پاتوق می‌کنید، برای سینما هم چنین چیزی داشته باشید، دیگر آن را داشته‌ایم.»

تا پیش از همه‌گیری کرونا چند سالن قدیمی سینما در تهران از جمله سینما «پلوار» و «قیام» به عنوان محل نمایش تئاتر تلاش داشتند با اجرای تئاترهای کم‌دیی و طنز، جبران نبود مخاطب سینما را در جذب مخاطب تئاتر داشته باشند که البته فراگیری کرونا باعث شد چنین فعالیت‌هایی نیز تعطیل شود. صاحبان سینما اکنون امیدوارند تصمیمات دولت بتواند آنها را از گذرگاه کرونا به سلامت عبور دهد، اما به نظر می‌رسد راهکار استفاده مجدد از سینماها و ایجاد پاتوق‌های فرهنگی پیشنهاد قابل اجرایی برای نجات سالن‌های قدیمی سینما باشد، به خصوص اینکه در شهری مانند تهران تعداد سینماهای تعطیل شده زیاد و سرانه فضاهای فرهنگی کم است.

حکمت

حضرت زهرا(س):

مؤمن، با ناسور خداوند متعال

می‌نگرد.

عیون المعجزات:ص ۵۴

نما حسین کشتکار



رویداد

پیام مقام معظم رهبری به هفتمین «شب خاطره جهادی»

خاطرات جهادی سندهای پرافتخار امروز و فردای کشور و انقلاب است

مسئول برگزاری شب خاطره جهادی با تأکید بر اینکه این مراسم یک کار خودجوش و مصداق فعالیت فرهنگی آتش به اختیار است، گفت: ستاد اجرایی این مراسم از سوی خود گروه‌های جهادی تشکیل شده است

محمدصادق عابدینی



به قرائت پیام مقام معظم رهبری خطاب به مراسم ملی «شب خاطره جهادی» هفتمین شب از این مراسم برگزار شد. رهبر انقلاب در پیامی که در آغاز هفتمین مراسم ملی شب خاطره جهادی قرائت شد، از خاطرات گروه‌های جهادی به عنوان سندهای افتخار انقلاب یاد کردند. متن کامل پیام رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

تشکیل گروه‌های جهادی و خدمات خالصانه آنها از جمله برکات حضور انگیزه‌های دینی و انقلابی در میان جوانان عزیز ماست. آن را باید قدر دانست. خاطرات آنها هم می‌تواند در پاساژها می‌بینیم. منظور من این است که هر کدام از سینماهای قدیمی برای ادامه حیات باید یک هویت داشته باشند تا به پاتوق تبدیل شوند. باید مشخص شود برای چه سلیقه‌ای باقی مانده‌اند. اگر هر دو سینمای قدیمی‌ها باشد چندان ماندگار نخواهند بود، اما اگر شما همانطور که یک کافه را بنا به سلیقه خود پاتوق می‌کنید، برای سینما هم چنین چیزی داشته باشید، دیگر آن را داشته‌ایم.»

تا پیش از همه‌گیری کرونا چند سالن قدیمی سینما در تهران از جمله سینما «پلوار» و «قیام» به عنوان محل نمایش تئاتر تلاش داشتند با اجرای تئاترهای کم‌دیی و طنز، جبران نبود مخاطب سینما را در جذب مخاطب تئاتر داشته باشند که البته فراگیری کرونا باعث شد چنین فعالیت‌هایی نیز تعطیل شود. صاحبان سینما اکنون امیدوارند تصمیمات دولت بتواند آنها را از گذرگاه کرونا به سلامت عبور دهد، اما به نظر می‌رسد راهکار استفاده مجدد از سینماها و ایجاد پاتوق‌های فرهنگی پیشنهاد قابل اجرایی برای نجات سالن‌های قدیمی سینما باشد، به خصوص اینکه در شهری مانند تهران تعداد سینماهای تعطیل شده زیاد و سرانه فضاهای فرهنگی کم است.

ادبیات

گلعلی بابایی مطرح کرد

سینما در اقتباس از ادبیات دفاع مقدس غافل است



نویسنده کتاب «ماه، همراه بچه‌هاست» معتقد است: متأسفانه در کشور ما اقتباس از مکتوبات دفاع مقدس در تولید آثار سینمایی مغفول مانده است و کتاب‌ها در مکتوبات می‌مانند، گلعلی بابایی نویسنده آثار دفاع مقدس با بیان اینکه متأسفانه در کشور ما موضوع اقتباس مغفول مانده است به اینتا گفت: در همه کشورها مخصوصاً در سینمای هالیوود اگر دقت کنید بسیاری از فیلم‌های بزرگ و تأثیرگذار اقتباسی است ولی متأسفانه در کشور ما کم اتفاق می‌افتد و کتاب‌ها در مکتوبات می‌مانند اما اگر این مکتوبات در قالب یک اثر سینمایی انعکاس پیدا کند، خیلی بیشتر دیده می‌شود. برای نمونه کتاب در «هاله‌ای از غبار» و «همبای صاعقه» درباره حاج‌احمد متوسلیان نوشته شد، اما آن‌طور که باید، نتوانست شهید احمد متوسلیان را معرفی کند، در حالی که وقتی فیلم «بستانده در غبار» ساخته شد، حاج‌احمد متوسلیان چند برابر بیشتر شناخته شد. این است که اقتباس خیلی می‌تواند کمک کند. وی در ادامه درباره برهیزر از بزرگنمایی و بزرگ‌گویی درباره شهدای دوران دفاع مقدس که یکی از مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب نیز بوده است، می‌گوید: باید شهدا را همان‌طور که بودند، روایت کرد. غلو کردن چیزی به ارزش شهید نمی‌افزاید. مخاطب امروز بسیار گنگجکاو است و اگر نویسنده در جایی از کتاب غلو کرده باشد، به خوبی متوجه می‌شود، بنابراین نباید بیش از آنچه واقعیت است، بیان شود، به عنوان مثال اگر جایی بی‌تدبیری رخ داده باید ذکر شود که کجای کارش خوب نبوده و اگر کار خوبی انجام داده هم باید بیان شود. گاهی لازم است برخی زوایای زندگی شهید بدون ملاحظات گفته شود، البته در مورد برخی



قدم اول جذب بازیگران پیشکسوت در تلویزیون عمل به تعهدات مالی است و وقتی کسی پیشکسوتان بی‌مهدی می‌بینند، معلوم است که قید همکاری را می‌زند. ناهید مسلمی بازیگر پیشکسوت با بیان این مطلب به «چون» گفت: من هنوز دستمزد سریال نوروزی «هیبت‌مدیره» را بعد از سه سال دریافت نکرده‌ام و همچنان بابت این سریال طلبکارم و در این شرایط معلوم است که دلسرد می‌شوم. بازیگر آثاری چون «رحانه» و «ختران» ادامه داد: نباید با بدحسابی در پرداخت دستمزد، بازیگران سریال‌های تلویزیونی را دلسرد کرد، چون این بدحسابی‌ها روی کیفیت کارها تأثیرات بدی دارد و باعث جدایی بازیگران مطرح از پروژه‌ها می‌شود، ضمن اینکه وقتی شما در طول کار مدام فکر کنید که آیا به موقع پولتان را می‌دهند یا نه خودتان روی روحیه و تمرکز بازیگر تأثیرگذار است و عمل‌روی اثر هم نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد. مسلمی افزود: خودم به خاطر بدحسابی قبلی، بازی در دو سریال را که برای ایام عید ساخته می‌شد، نپذیرفتم چون فکر کردم ممکن است مجدداً در دست‌انداز بایتم.

^[1] گلعلی بابایی مطرح کرد

^[2] گلعلی بابایی نویسنده آثار دفاع مقدس با بیان اینکه متأسفانه در کشور ما موضوع اقتباس مغفول مانده است به اینتا گفت: در همه